

یادداشت

آینده حزب‌الله در زمینه تحولات جاری



مرتضی شریانی

در روزهای اخیر و درحالی‌که به سالگرد امضای توافق آتش‌بس بین اسرائیل و لبنان نزدیک می‌شویم، به نظر می‌رسد که تنش بین این دو کشور در حال افزایش است. در این راستا نه‌تنها ارتش اسرائیل شدت حملات خود را به جنوب لبنان افزایش داده، بلکه هم‌زمان بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، با متهم‌کردن دولت لبنان به کندی و بی‌عملی در برابر حزب‌الله، تهدید کرده که در صورت تداوم این بی‌عملی، خود اسرائیل اقدامات لازم را انجام خواهد داد. سال گذشته پس از آنکه درگیری بین حزب‌الله لبنان و اسرائیل منجر به واردآمدن ضربات شدید به نبرهای رزمی و ساختار فرماندهی حزب‌الله شد، این گروه آتش‌بسی را پذیرفت که در آن بر عقب‌نشینی از جنوب لبنان و خلع سلاح تأکید شده بود. در این چارچوب دولت لبنان موظف شده بود که در کنار خلع سلاح حزب‌الله، از هرگونه انتقال تدارکات و تجهیزات برای بازسازی توان رزمی این گروه جلوگیری کند. پس از اجرای آتش‌بس، در اولین اقدام نظارت شدیدی بر پروازهای مسافری انجام‌شده از مبدأ ایران به مقصد بیروت برقرار شده و علاوه بر مسافران عادی، بازرسی‌های غیرمعتارقی از دیپلمات‌های ایرانی به عمل آمد. در ادامه، حزب‌الله نتوانست از نامزد خود سلیمان فرنجیه، رئیس جریان المرده، برای ریاست‌جمهوری حمایت کند و با انصراف فرنجیه از نامزدی، جوزف عون، فرمانده ارتش لبنان که مورد حمایت عربستان و آمریکا بود، به ریاست‌جمهوری رسید. جوزف عون، نواف سلام، رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری و نماینده پیشین لبنان در سازمان ملل را که مواضع آشکاری در مخالفت با ایران و حزب‌الله داشت، برای تصدی سمت نخست‌وزیری برگزید. حزب‌الله و جنبش امل با این انتخاب مخالفت کردند اما این دو گروه در شرایطی قرار نداشتند که بتوانند از این اقدام جلوگیری کنند. نواف سلام در اولین اقدام و در کنار تأکید بر خلع سلاح حزب‌الله، پروازهای تجاری بین تهران و بیروت را به بهانه جلوگیری از انتقال پول و سلاح به حزب‌الله متوقف کرد و اعتراض شیعیان به این اقدام را با سرکوب پاسخ داد. این در حالی بود که حملات اسرائیل و ترور چهره‌های شاخص شیعیان همچنان ادامه داشت و ارتش لبنان نیز سرگرم نابودی ذخایر نظامی حزب‌الله در جنوب لبنان بود.

این روند تا اواسط تابستان ادامه داشت؛ تا جایی که برخی از کارشناسان از نابودی حزب‌الله و پایان نفوذ ایران در لبنان سخن می‌گفتند، اما واردشدن دولت لبنان به فرایند اجرائی خلع سلاح حزب‌الله شرایط را تغییر داد. در ۱۴ مرداد ۲۰۲۵ (۸گوست ۲۰۲۵) کابینه لبنان در نشستاتی که ریاست‌رئیس‌جمهور برگزار شد، خلع سلاح حزب‌الله را تصویب و ارتش را مأمور کرد طرحی را برای اجرائی‌شدن آن پیشنهاد کند؛ اما خلع سلاح موضوعی نبود که حزب‌الله و کلا جامعه شیعه آن را تحمل کند. لبنان طی ۲۰۰ سال اخیر و در دوران تسلط عثمانی‌ها و فرانسوی‌ها، سرزمین اقوام دروزی و مسیحی تلقی می‌شد و اقوام سنی هم با توجه به حمایت سلاطین عثمانی و حاکمان مصر به طور متناوب در این سرزمین به قدرت رسیده بودند. اما شیعیان در تمام تاریخ معاصر این کشور قومی حاشیه‌ای و تحت ستم تلقی می‌شدند. این روند پس از استقلال لبنان نیز ادامه یافت. اما با ورود امام موسی صدر به لبنان در سال ۱۳۴۴ شرایط شیعیان تغییر کرد و به‌تدریج با ایجاد تشکل‌های مختلف، جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی لبنان ارتقا یافت. در سال‌های پس از مفقودشدن امام موسی صدر نیز روند تقویت گروه‌های شیعی با حمایت ایران تداوم یافت؛ تا جایی‌که پس از جنگ ۳۳روزه در سال ۲۰۰۵ و توفیق حزب‌الله در متوقف‌کردن اسرائیل و متعاقب آن، خروج نیروهای سوری از لبنان، حزب‌الله به مهم‌ترین نیروی سیاسی و اداره‌کننده واقعی لبنان تبدیل شد و این فرایند شیعیان را پس از قرن‌ها حاشیه‌نشینی، به قدرتمندترین گروه قومی در این کشور تبدیل کرد.

در این چارچوب همه شیعیان می‌دانستند که پس از تضعیف شدید حزب‌الله در جنگ با اسرائیل، خلع سلاح این گروه به معضای پایان آن و بازگشت شیعیان به دوران فرودستی است، بنابراین خلع سلاح موضوعی بود که حزب‌الله و جامعه شیعیان نمی‌توانستند با آن همراه شوند. موضع جدید حزب‌الله در سخنرانی شیخ نعیم قاسم در مراسم عاشورا اعلام شد. در این سخنرانی که درست یک روز پس از سفر علی لاریجانی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی ایران، به لبنان انجام شد، دبیر کل حزب‌الله در سخنانی تند، تهدید کرد که تلاش را در راستای خلع سلاح این گروه می‌تواند به جنگ داخلی منجر شود و مشخص کرد که حزب‌الله برای حفظ سلاح خود ابایی از درگیری مسلحانه ندارد. این سخنرانی شرایط را کاملاً تغییر داد، چراکه همه می‌دانستند که حزب‌الله با وجود ضربات وارده، از قدرت و انسجامی به مراتب بیشتر از ارتش لبنان برخوردار است. نظرسنجی‌ها هم نشان داد که اکثریت قریب به اتفاق شیعیان (بالای ۹۰ درصد) مخالف خلع سلاح حزب‌الله هستند. در این‌میان حملات اسرائیل و ناتوانی ارتش لبنان در پاسخ به آنها، موجب شد که به‌تدریج موضوع خلع سلاح به حاشیه رانده شود و استدلال حزب‌الله مبنی بر دفاع این گروه از لبنان در برابر اسرائیل، موجه‌تر جلوه کند؛ موضوعی که حتی تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در امور لبنان، هم به آن اعتراف کرد. در این‌میان نکته‌ای که عملاً موضوع خلع سلاح حزب‌الله را به یک مأموریت غیرممکن تبدیل می‌کند، مواضع متناقض آمریکا در این زمینه است. این به آن معنی است که آمریکا با وجود علم به ناتوانی و ضعف ارتش لبنان در برابر نیروهای حزب‌الله، با تقویت ارتش لبنان هم مخالفت می‌کند، چراکه به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند وجود یک نیروی نظامی قوی را در کنار مرزهای اسرائیل تحمل کند، حتی اگر این نیروها از سوی دوستان آمریکا هدایت شوند (حملات اسرائیل به سوریه، بعد از سقوط بشار اسد را می‌توان در این چارچوب بررسی کرد).

و در نهایت باید به تحلیل‌های عجولانه مطرح‌شده در یک سال گذشته اشاره کرد که پس از جنگ سال گذشته اسرائیل با حزب‌الله و واردآمدن ضربات شدید به ارکان اصلی این گروه، از پایان حزب‌الله سخن می‌گفتند. این در حالی است که حزب‌الله گروهی ریشه‌دار است که در چارچوب ضرورت‌ها و قواعد اجتماعی و سیاسی لبنان قوام یافته و به‌هیچ‌وجه حذف‌شدنی نیست. البته روشن است که موضوع مسلحان حزب‌الله را یک شرایط عادی و صلح‌آمیز پذیرفتنی نیست و در نهایت این گروه هم باید سلاح را کنار گذاشته و وارد فعالیت در چارچوب‌های عادی سیاسی لبنان شود. اما این نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی لبنان در همسایگی اسرائیل تحقّق‌پذیر نیست و به نظر نمی‌رسد تا زمان حل‌وفصل نهایی بحران فلسطین، بتوان حزب‌الله را خلع سلاح کرد. پس قوتن بحران لبنان را نیز به مجموعه بحران‌هایی که از پیشخور و به‌طور مشخص سرباب می‌شوند، اضافه کرده و تأکید کرد که حزب‌الله همیشه یک گروه قدرتمند لبنانی باقی خواهد ماند اما موضوع سلاح این گروه موضوعی است که در نهایت حل خواهد شد، اما نه به این زودی‌ها.



میراث دیکتاتوری و مداخله خارجی بر شانه‌های زنان سودان

تصاویر اخیر منتشرشده از شهر الفاشر کشور سودان نشان‌دهنده یک وضعیت آخرالزمانی است. کشتار غیرنظامیان، اعدام‌های بدون محاکمه و خشونت جنسی علیه زنان بخشی از گزارش‌هایی است که تاکنون از سودان به جهان مخابره شده است. سдіا الرشید، بنیان‌گذار و مدیر اجرایی سازمان امید و پناه برای پناه‌جویان در گفت‌وگو با «شرق» از زندگی زنانی می‌گوید که در مسیرها و اردوگاه‌ها با خشونت جنسی، آزار و ترس دائمی مواجه‌اند و بیشتر بار مراقبت از مجروحان، جابه‌جایی بستگان زخمی و حتی اداره درمانگاه‌های کوچک محلی را به دوش می‌کشند. او معتقد است بحران سودان داستان مردمی است که برای آزادی برخاستند و به خاطر آن مجازات شدند.

جنگ داخلی سودان از آوریل سال میلادی ۲۰۲۳، پس از وقوع جنگ قدرت میان ارتش و «نیروهای پشتیبانی سریع»، آغاز شد و در روزهای اخیر با رسیدن نبرد به منطقه دارفور، شهر الفاشر به عنوان آخرین سنگر بزرگ ارتش در این منطقه، به اوج خود رسیده است. طبق گزارش سازمان ملل «UN and the crisis in Sudan Jan-Jun 2025) از آغاز جنگ داخلی سودان در ۱۵ آوریل ۲۰۲۳ تاکنون، ۱۲.۵ میلیون نفر به طور اجباری جابه‌جا (۱۰واژه داخلی با مهاجر خارجی) و بیش از ۵۰ هزار نفر کشته شده‌اند.

رژیم عمر البشیر در سال ۲۰۱۳ نیروهای پشتیبانی سریع را برای مقابله با شورش‌های داخلی فعال کرده بود. اما اعتراضات عمده مردمی در سودان که از دسامبر ۲۰۱۸ شروع شد، در نهایت زمینه برکناری عمر البشیر، رئیس‌جمهور پیشین، را در سال ۲۰۱۹ فراهم کرد. زنان نقش بسیار برجسته‌ای در این اعتراضات داشتند و عکس معروف علاء صلاح که بر روی ماشین ایستاده بود، به نماد این اعتراضات تبدیل شد. در همین راستا در نوامبر ۲۰۱۹، حکومت انتقالی سودان تصمیم گرفت که حزب حاکم سابق (حزب کنگره ملی) را منحل کند و مقررات «نظم عمومی» که زنان را از آزادی رفتار، پوشش، اجتماع محدود می‌کرد، لغو کند.

اما این دستاورد‌ها دوامی نداشت و این انقلاب هم به سمت یک دموکراسی کامل پیش نرفت؛ چراکه جنگ داخلی بین ارتش سودان و نیروهای پشتیبانی سریع سرنوشت این کشور را به طور کامل تغییر داد. برای بررسی دقیق‌تر وضعیت این روزهای سودان به سراغ سдіا الرشید، بنیان‌گذار و مدیر اجرایی سازمان امید و پناه برای پناه‌جویان، یک سازمان خیریه غیرانتفاعی که برای پناهندگان جنگ در سودان فعالیت می‌کند، رفته‌ایم. او در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند که جنگ سودان یک درگیری قبیله‌ای یا محلی نیست، بلکه یک ترازوی ملی است. به گفته او دارفور امروز یکی از سخت‌ترین و خطرناک‌ترین مکان‌ها برای بقا، به‌ویژه برای زنان و کودکان است. مردم نه‌تنها از گلوله، بلکه از گرسنگی، بیماری و بی‌توجهی می‌میرند. با وجود این، ابتکارات مردم سودان، به‌ویژه گروه‌های زنان است که برای دیگران تغذیه، درمان و پناه فراهم می‌کند. این روزها مردم سودان چگونه با بحران انسانی مواجه شده‌اند؟ درحال حاضر در چه شرایطی زندگی می‌کنند؟ آیا بسیاری مجبور به فرار به شهرهای دیگر شده‌اند؟ آیا آنها با وجود این اتفاقات، هنوز راه‌هایی برای مقاومت با نشان‌دادن همبستگی پیدا می‌کنند؟

آنچه ما از الفاشر و مناطق اطراف می‌بینیم، مناطقی که مردم از آنجا به طویله، کرمه، روستاهای دارفور شمالی و همچنین آن سوی مرز به چاد می‌گریزند، الکوی تکرارشونده‌ای از آوارگی مداوم، ازدحام در پناهگاه‌های موقت و تقریباً نبود هیچ خدمات پایه‌ای است. پناهگاه‌ها پس از روزهای گذشتگان و تیراندازی کثرت‌اندازان، بدون هیچ وسیله‌ای به پناهگاه‌ها می‌رسند. بیشتر پناه‌جویان هم زنان، کودکان، سالمندان و مجروحان هستند؛ چراکه بسیاری از مردان یا کشته شده‌اند یا اسیر هستند.

با وجود این، ما و دیگر سازمان‌ها و گروه‌های محلی و «اتاق‌های اضطراری» همچنان با هم هماهنگ هستیم و یکدیگر را حمایت می‌کنیم؛ با هم غذا می‌پزیم، ورود تازه‌واردان را ثبت می‌کنیم و کمپنه‌های محلی کمک‌ها را هماهنگ می‌کنند؛ بنابراین این گفت‌وهمبستگی هنوز وجود دارد، اما شکننده و خسته است. بسیاری از خانواده‌ها بارها مجبور به فرار شده‌اند و برخی از آنها بیش از ۹۰۰ روز است که از قحطی رنج می‌برند.



البته وضعیت در همه مناطق سودان یکسان نیست. بدترین و بی‌رحمانه‌ترین شرایط در دارفور (به‌ویژه اطراف الفاشر)، بخش‌هایی از کردفان و مناطقی حاکم است که به خطوط مقدم یا مسیرهای تدارکاتی تبدیل شده‌اند. آنجاست که شاهد آوارگی گسترده، گرسنگی، خشونت جنسی و ورود مردم به جاهایی مانند طویله با هیچ چیز لباس‌های بر تن‌شان هستیم. اما مناطقی نسبتاً آرام‌تر هم وجود دارد؛ مثلاً خارطوم، پورت سودان و بخش‌هایی از دریای سرخ. القضارف، کسلا و ایالت شمالي که درگیری مستقیم در آنها کمتر بوده، پس بعضی خدمات عمومی در این مناطق ادامه دارد و مردم به آتجا پناه برده‌اند. با این حال، «امن» به معنی «عادی» نیست. این شهرها شلوغ و گران هستند و مدارس‌شان اغلب به طور پراکنده فعال‌اند؛ معلمان آواره شده‌اند، حقوق‌ها پرداخت نمی‌شود و ساختمان‌ها به پناهگاه تبدیل شده‌اند.

❌ کمی از وضعیت زنان و کودکان بگویید. آنها با چه چالش‌های مضاعفی روبه‌رو هستند؟

زنان در مرکز این بحران هستند. آنان خانواده‌ها را در کنار هم نگه می‌دارند، درحالی‌که با خطرات عظیمی روبه‌رو هستند. زنان در مسیرها و اردوگاه‌ها با خشونت جنسی، آزار و ترس دائمی مواجه‌اند. بسیاری از آنان معیشت خود را از دست داده‌اند، همان شغل‌های کوچکی که به آنها امکان بقا می‌داد و اکنون کاملاً به کمک‌هایی وابسته‌اند که اغلب هرگز به دست‌شان نمی‌رسد. از طرف دیگر، زنان باردار جایی امن برای زایمان ندارند. دارو، پزشک و در بسیاری از جاها حتی حریم خصوصی یا امنیت وجود ندارد. زنان همچنین مراقبت‌کنندگان اصلی مجروحان، یتیمان و سالمندان هستند. این مسئولیتی سنگین و بی‌پایان است. و با این حال، آنها همچنان نیرویی باورنکردنی از استقامت و قدرت نشان می‌دهند.

آنچه ما از طریق تیم‌ها و شرکای‌مان می‌بینیم، این است که زنان بخش نامتناهسی از بار مراقبت را به دوش می‌کشند؛ مداوای مجروحان در خانه، جابه‌جایی بستگان زخمی از روستایی به

زهراکرمی

روستای دیگر، ایستادن در صف دارو و حتی اداره درمانگاه‌های کوچک محلی در زمانی که نظام رسمی از کار می‌افتد. این تا حدی فرهنگی است، اما عمدتاً به این دلیل است که سیستم رسمی فروپاشیده است. درحال حاضر هنوز نظام درمانی در سطح محلی در بسیاری مناطق فروپاشیده است، اما همچنان در سطح ملی در حال فعالیت است و برخی بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها هنوز فعال‌اند. برای مثال در پورت سودان، در برخی شهرهای شرقی و حتی در شهر آدم‌رمان، واکسیناسیون‌ها با وجود جنگ انجام می‌شود. اما در مناطق نبرد، مراکز درمانی غارت می‌شوند، کارکنان می‌گریزند، تجهیزات نمی‌رسد و جاده‌ها مسدودند و مردم به زنان، ماماها و پزشکان داوطلب متوسل می‌شوند، بنابراین در بسیاری از مناطق بیشتر بار مراقبت اکنون بر دوش زنان است.

درمورد کودکان هم باید بگوییم این جنگ دارد کودکی را نابود می‌کند. کودکان در حالی به پناهگاه‌ها می‌رسند که دچار سوءتغذیه، آسیب روانی و یازماندگی از تحصیل‌اند. بسیاری شاهد خشونت بوده‌اند، والدین‌شان را از دست داده‌اند یا هنگام فرار از آنها جدا شده‌اند. برخی آن‌قدر کوچک‌اند که دیگر حتی نمی‌دانند از کجا آمده‌اند. ما شاهد کابوس‌ها، ترس از صداها‌ی بلند و اندوه در چشمان‌شان هستیم. تقریباً هیچ حمایتی از نظر روانی وجود ندارد و آموزش در بسیاری از مناطق کاملاً متوقف شده است فقط برخی کودکان در مناطق امن‌تر هنوز به مدرسه می‌روند، به‌ویژه در شرق و در مدارس داوطلبانه و مردمی، اما این دیگر آن کودکی نیست که سودان به آنها وعده داده بود. اگر این جنگ ادامه یابد، خطر از دست دادن تمام یک نسل وجود دارد.

❌ نظر شما درمورد دخالت امارات در این جنگ چیست؟ آیا مردم سودان در این زمینه صحبت می‌کنند؟

این مسئله حساس است، اما مهم. از دید بسیاری از غیرنظامیان سودانی، مداخلات خارجی، به‌ویژه حمایت نظامی و مالی کشورهایی مانند امارات، آتش این جنگ را شعله‌ور کرده است. مردم صریح می‌گویند: «اگر حمایت خارجی و ارس‌سال سلاح متوقف شود، شاید جنگ هم متوقف شود». آنچه مردم می‌خواهند، ساده است: حمایت از هرگونه نیروی شبه‌نظامی (RSF) از متوقف کنید، از روندی غیرنظامی و تحت رهبری مردم پشتیبانی کنید و اجازه دهید کمک‌های انسان‌دوستانه به نیازمندان برسد.

❌ نقش اختلافات قومی را در این جنگ چطور ارزیابی می‌کنید؟

این جنگ شکاف‌های موجود در سودان را عمیق‌تر کرده است. در دارفور، خشونت رنگ‌بویی قومی به خود گرفته است و همین آشتی را دشوارتر می‌کند. اما داستان‌هایی از انسانیت نیز وجود دارد؛ برای مثال خانواده‌هایی از پیشینه‌های مختلف از یکدیگر محافظت می‌کنند، فقط قوم همه غیرنظامی‌اند و می‌خواهند زنده بمانند. به بیان دیگر مردم سودان با نفرت تعریف نمی‌شوند؛ بلکه قربانی جنگ و دست‌کاری قدرت‌ها شده‌اند.

آنچه جهان باید بداند، این است که جنگ سودان یک درگیری قبیله‌ای یا محلی نیست، بلکه یک ترازوی ملی است. دارفور امروز یکی از سخت‌ترین و خطرناک‌ترین مکان‌ها برای بقا، به‌ویژه برای زنان و کودکان است. مردم نه‌تنها از گلوله، بلکه از گرسنگی، بیماری و بی‌توجهی می‌میرند. با وجود این، همین ابتکارات مردم سودان، به‌ویژه گروه‌های زنان، است که برای دیگران تغذیه، درمان و پناه فراهم می‌کنند، اغلب بدون هیچ‌گونه حمایت بین‌المللی. البته باید به این نکته اشاره کنم که در دارفور، واقعا ابعاد دردناک قومی و نژادی دارد. بسیاری از کسانی که کشته یا آواره می‌شوند، به‌ویژه در الجنینه و اکنون در اطراف الفاشر، از قوم ماسالیت و دیگر جوامع غیرعرب هستند. محله‌هایی کامل نابود و خانواده‌ها از هم جدا شده‌اند و زنان فقط به خاطر هویت‌شان هدف قرار گرفته‌اند. ما نمی‌توانیم این را انکار کنیم. اما باید گفت جنگ سودان فقط درباره قبایل یا رنگ پوست نیست. آنچه اکنون

تجربه می‌کنیم، جنگی بر سر طلا، زمین و قدرت است که در پوشش اختلافات قدیمی جریان دارد. خانواده‌های عرب هم رنج می‌کشند و از همان نیروهایی می‌گریزند که ادعا می‌کنند نماینده‌شان هستند. برای من، این جنگ «اعراب در برابر آفریقایی‌ها» نیست، بلکه جنگی است علیه غیرنظامیان، علیه هرکسی که مانع قدرت و طمع می‌شود.

بنابراین آنچه مردم از ما می‌خواهند به جهان بگوییم، این است: «ارسال سلاح را متوقف کنید. جاده‌ها را باز کنید. اجازه دهید کمک‌ها وارد شوند». این جمله از دل سخنرانی‌هایی است که به‌جای تلاش برای صلح، وقتی آن را گفتیم، در ذهن تمام کشورهای بودند که با سودان مثل صفحه شطرنج رفتار می‌کنند، سلاح می‌فرستند، شبه‌نظامیان را تأمین مالی می‌کنند یا درحالی‌که مردم از گرسنگی می‌میرند، از ما روی برمی‌گردانند. این پیام خطاب به امارات است، چون گزارش‌های بسیاری نشان می‌دهد سلاح‌ها از مسیر آن کشور به RSF می‌رسد. همچنین خطاب به کشورهای است که به‌جای تلاش برای صلح، تصمیم به مسلح‌کردن ارتش گرفته‌اند و خطاب به تمام دولت‌های است که از «ارزش‌های انسانی» حرف می‌زنند اما مرزها را بسته‌اند و کاروان‌های کمک را به دلیل بوروکراسی متوقف کرده‌اند. ما فقط می‌گوییم: جنگ را تغذیه نکنید. اگر قدرت ارسال اسلحه دارید، قدرت ارسال غذا را هم دارید، پس جاده‌ها را باز کنید، بگذارید کمک‌ها وارد شوند.

❌ انقلاب سودان در سال ۲۰۱۸ با نماد زن سفیدپوش، الهام‌بخش بسیاری از زنان در سراسر خاورمیانه بود. آیا ارتباطی بین آن انقلاب و وضعیت فعلی می‌بینید؟ به نظر شما چرا انقلاب به اهداف خود نرسید؟

این بحران در سال ۲۰۲۳ آغاز نشد؛ آهسته رشد کرد، مثل درختی با ریشه‌های سسمی. سودان دهه‌ها زیر سلطه کسانی بود که برای حفظ قدرت از قومیت، دین و ترس سوءاستفاده کردند. رژیم پیشین اعتماد میان جوامع را نابود کرد و برخی را مسلح و برخی را گرسنه نگه داشت. بعد از انقلاب هم به‌جای خلع سلاح شبه‌نظامیان و اصلاح ارتش، ژنرال‌ها در قدرت باقی ماندند و رقابت‌شان را به جنگ تبدیل کردند. از طرف دیگر کشورهای خارجی که هرکدام در پی منافع (بنا، پندرها و نفوذ) خود بودند، اوضاع را بدتر کردند و مردم عادی به‌عاش را پرداختند؛ بنابراین این بحران میراث دیکتاتوری است، آمیخته با طمع خارجی و بی‌عدالتی عمیق میان مرکز و مناطق حاشیه‌ای، اما در اصل، بحران سودان داستان مردمی است که برای آزادی برخاستند و به خاطر آن مجازات شدند.

گزارش

وزن‌ولتا آماده جنگ چریکی با آمریکا

پس از آنکه سنای آمریکا قطع‌نامه‌ای برای جلوگیری از اقدام نظامی ایالات متحده علیه وزن‌ولتا را رد کرد و پنتاگون تأیید کرد که بزرگ‌ترین ناو هواپیمابر آمریکا عازم آمریکای لاتین است، دولت وزن‌ولتا در واکنشی متقابل، بسیج نظامی دوروزه‌ای را آغاز کرد.

ژنرال ولادیمیر پادرنیو لوپز، وزیر دفاع وزن‌ولتا، در یک نشست خبری از آغاز رزمایش گسترده نظامی خبر داد و آن را پاسخی دفاعی به «تهدیدهای احتمالی ایالات متحده» توصیف کرد. او در سخنرانی تلویزیونی خود گفت: «حدود ۲۰۰ هزار نیروی نظامی در سراسر خاک کشور برای این تمرین مستقر شده‌اند و باید بگویم این اقدام به‌هیچ‌وجه به مأموریت‌های روزانه فرماندهی عملیات استراتژیک لطمه‌ای نمی‌زند».

وزارت دفاع وزن‌ولتا نیز درباره این رزمایش در شبکه‌های اجتماعی اطلاع‌رسانی کرد.

سخنرانی پادرنیو لوپز که از شبکه دولتی «ونزوئلانا تله‌ویزیون» (VTV) پخش شد، جزئیات گسترش طرح «استقلال ۲۰۰» نیکلاس مادورو را تشریح کرد؛ طرحی با ماهیت نظامی-مردمی که هدف آن ادغام نیروهای مسلح متعارف، پلیس و دیگر نهادهای امنیتی در چارچوب «دفاع ملی» است. اظهارات وزیر دفاع در حالی مطرح شد که فعالیت نظامی ایالات متحده در دریای کارائیب افزایش یافته است؛ از جمله استقرار ناو هواپیمابر «یواس اس جرالسد آر. فورد» که بزرگ‌ترین ناو هواپیمابر آمریکاست، همراه با واحدهای دریایی و هوایی پشتیبان. ترامپ ماه گذشته همچنین تأیید کرد که به سازمان سیا اجازه داده است عملیات مخفیانه در خاک ونزوئلا انجام دهد.

شان پارنل، سخنگوی ارشد پنتاگون، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «افزایش حضور نیروهای آمریکایی در حوزه مسئولیت فرماندهی جنوبی توان ایالات متحده را برای شناسایی، رصد و مختل‌کردن فعالیت‌های غیرقانونی که امنیت و شکوفایی سرزمین ما و ثبات نیم‌کره غربی را تهدید می‌کنند، تقویت خواهد کرد».

از ماه سپتامبر تاکنون، نیروهای آمریکایی چندین قایق را در سواحل ونزوئلا و دیگر مناطق منهدم کرده و گفته‌اند این‌قایق‌ها متعلق به یک سازمان تروریستی شناخته‌شده بوده و در قاچاق مواد مخدر به آمریکا دست داشته‌اند. دست‌کم ۱۹ محله تأییدشده در دریای کارائیب و سواحل اقیانوس آرام کشورهای آمریکای لاتین انجام شده است. ترامپ پیش‌تر مادورو را به حمایت از کارتل‌های مواد مخدر در کشورش متهم کرده بود؛ اتهامی که مادورو آن را رد کرده است.

برگ سبز، سند کمپانی، کارت خودرو و کلیه مدارک خودرو پژو پارس خاکستری متالیک مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۳۸ س ۵۳۳ ایران ۹۸ شماره شاسی ۱۹۳۳۰۱۱۰ و شماره موتور ۱۷۴۱۱۷۱۴۸۴۱۲ به نام فاطمه راموز یگانه با کد ملی ۶۳۴۰۰۴۷۸۱۵ در ۱۴۰۴/۷/۱۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

مدرک تحصیلی اینجناب امیر حسین ارغا فرزند محمدرضا به شماره ملی ۳۸۶۰۸۴۷۲۱۱ صادره از همدان در مقطع کارشناسی رشته مهندسی عمران صادره از واحد دانشگاهی همدان با شماره سریال ۴۲۰۱۸۱۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان به نشانی بلوار پروفیسور موسویند ارسال نماید.

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده(نوبت اول) شرکت تعاونی تامین نیاز ماشین سازان و تولید کنندگان تجهیزات پلیمری به شماره ثبت ۶۳۵۹۲۳ و شناسه ملی ۱۴۰۱۳۶۲۰۸۲۱

بدین وسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی می‌رساند جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول راس ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۴۰۴/۷/۲ در محل دفتر شرکت به نشانی: تهران، اختیاریه، خیابان شهید برادران رحمانی، بن بست دلدار، پلاک ۱۱، طبقه ۳ برگزار می‌گردد.از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی دعوت می‌شود راس ساعت مقرر حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱- تغییر آدرس مرکز اصلی شرکت از خیابان اختیاریه خیابان شهید برادران رحمانی بن بست دلدار پلاک ۱۱ طبقه ۳
کد پستی ۱۹۳۹۷۵۵۳۵
به آدرس تهران بزرگراه امام رضا مشیریه ۲۰ متری اعظم خیابان خوزستان شرقی پلاک ۸ کد پستی ۱۸۵۵۸۳۵۳۳۹
رئیس هیئت مدیره تعاونی جلال سلکی